

عدم اعتقاد



نشانه‌شناسی منظومه‌ی فکری رهبر انقلاب در رابطه با آمریکا

در این پژوهش، با برجسته ساختن نگرش رهبری انقلاب اسلامی ایران به عرصه‌ی روابط بین‌الملل، به تحلیل گفتمانی گفتار سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون رابطه با دولت آمریکا پرداخته شده است. نگارنده معتقد است گفتمان استکبارستیزی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در عرصه‌ی روابط بین‌الملل، با تکیه بر دو ایده‌ی «استقلال-آزادی» و نفی «سلطه‌جویی-سلطه‌پذیری»، دولت ایالات متحده‌ی آمریکا را به مثابه‌ی غیریت خود در رأس نظام سلطه تعریف و شناسایی می‌نماید. همچنین ارائه‌ی شواهد نظری و تجربی این پژوهش در قالب دقایق گفتمانی، به تبیین و تحلیل چرایی‌های تاریخی و هویتی بی‌اعتمادی رهبری انقلاب ایران نسبت به رابطه‌ی ایران با ایالات متحده پرداخته است؛ به نحوی که امتناع اعتماد به دولت آمریکا را اعلام می‌دارد. این مهم آن چیزی است که در غالب تصمیم‌سازی‌ها و اقدامات در طول سه دهه‌ی گذشته مغفول مانده و مورد بی‌توجهی نخبگان سیاسی و دولت‌مردان ایالات متحده‌ی آمریکا قرار گرفته است. حال آنکه اعتماد رمز تعامل است. در این رابطه، با اتکا به چارچوب نظری جیمز روزنا، به تحلیل چشم‌انداز رابطه‌ی ایران با آمریکا پرداخته شده است.



اندیشنامه سیاست خارجی (۱)

عدم اعتماد

❖ نشانه‌شناسی منظومه‌ی فکری رهبر انقلاب در رابطه با آمریکا ❖

اندیشکده‌ی برهان

سال اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی



عنوان: عدم اعتماد
نویسندگان: مصطفی یقینی پور
طراح جلد و صفحه آرا: امیرحسین نبی
تاریخ انتشار: آبان ماه ۱۳۹۳

www.BORHAN.ir
info@borhan.ir

نشانی:

خیابان کریم خان، نرسیده به خیابان سنایی، پلاک ۱۰۱



❖ رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت امام خامنه‌ای ❖

مذاکره در موضوعات خاص اشکالی ندارد؛ منتها گفتم من اعتماد ندارم، خوش‌بین نیستم به مذاکره، لکن می‌خواهند مذاکره کنند، بکنند؛ ما هم به اذن‌الله ضرری نمی‌کنیم. یک تجربه‌ای در اختیار ملت ایران است - که حالا من مختصراً عرض خواهم کرد - این تجربه ظرفیت فکری ملت ما را بالا خواهد برد؛ مثل تجربه‌ای که در سال ۸۲ و ۸۳ در زمینه‌ی تعلیق غنی‌سازی انجام گرفت، که آن‌وقت تعلیق غنی‌سازی را در مذاکرات با همین اروپایی‌ها، جمهوری اسلامی برای یک مدتی پذیرفت. خوب ما دو سال عقب افتادیم، لکن به نفع ما تمام شد. چرا؟ چون فهمیدیم که با تعلیق غنی‌سازی، امید همکاری از طرف شرکای غربی مطلقاً وجود ندارد. اگر ما آن تعلیق اختیاری را - که البته به‌نحوی تحمیل شده بود، لکن ما قبول کردیم، مسئولین ما قبول کردند - آن روز قبول نکرده بودیم، ممکن بود کسانی بگویند خوب یک ذره شما عقب‌نشینی می‌کردید، همه‌ی مشکلات حل می‌شد، پرونده‌ی هسته‌ای ایران عادی می‌شد. آن تعلیق غنی‌سازی این فایده را برای ما داشت که معلوم شد با عقب‌نشینی، با تعلیق غنی‌سازی، با عقب‌افتادن کار، با تعطیل کردن بسیاری از کارها مشکل حل نمی‌شود؛ طرف مقابل دنبال مطلب دیگری است؛ این را ما فهمیدیم، لذا بعد از آن شروع کردیم غنی‌سازی را آغاز کردن. امروز وضعیت جمهوری اسلامی با سال ۸۲، زمین تا آسمان فرق کرده؛ آن روز ما چانه می‌زدیم سرِ دو، سه سانتی‌متر، [در حالی که] امروز چندین هزار سانتی‌متر مشغول کارند. جوان‌های ما، دانشمندان ما، محققین ما، مسئولین ما همت کردند، کارها را پیش بردند. بنابراین از مذاکراتی هم که امروز در جریان است، ما ضرری نخواهیم کرد. البته بنده همچنان که گفتم خوش‌بین نیستم؛ من فکر نمی‌کنیم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به‌دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه‌ی

تجربى مَلّت ايران را افزايش خواهد داد و تقويت خواهد كرد؛ ايرادى ندارد اَمّا لازم است مَلّت بيدار باشد. ما از مسئولين خودمان كه دارند در جبهه‌ى ديپلماسى فعّاليت مى‌كنند، كار مى‌كنند، قرص و محكم حمايت مى‌كنيم، اَمّا مَلّت بايد بيدار باشد، بداند چه اتّفاقى دارد مى‌فتد [تا] بعضى از تبليغاتچى‌هاى مواجب‌بگير دشمن و بعضى از تبليغاتچى‌هاى بى‌مزد مواجب - از روى ساده‌لوحى - نتوانند افكار عمومى را گمراه كنند.

فهرست

پیشگفتار	۷
مقدمه	۹
۱. کاوش مفهومی	۱۳
۲. مختصات بی‌اعتمادی رهبری انقلاب ایران نسبت به تعامل با دولت آمریکا	۱۴
۳. استکبارستیزی به‌مثابه‌ی نشانه‌ی مرکزی گفتمان سیاست خارجی رهبری انقلاب ایران	۱۹
۴. آمریکا در رأس نظام سلطه به‌مثابه‌ی غیریت	۲۰
۵. زنجیره‌ی نفی‌ها و تمایزات در گفتمان سیاست خارجی رهبری انقلاب ایران	۲۱
۶. زنجیره‌های هم‌ارزی	۲۴
۷. دقایق گفتمانی سیاست خارجی رهبری انقلاب ایران	۲۶
نتیجه‌گیری	۴۲
فهرست منابع	۴۴

پیشگفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا مُّبِينًا

ای مردم! همانا برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است، و ما نوری روشنگر (قرآن) به سوی شما فرو فرستادیم. (نساء-۱۷۴)

سپاس خداوندی را که بشر را به برهان حقایق وجود ذی جود آخرین فرستاده‌اش و نور روشنی‌بخش کلام‌الله مجید هدایت کرد و ملت شریف ایران را با هدیه‌ی آسمانی انقلاب اسلامی و حیات در ذیل نعمت ولایت در مسیر رشد و تعالی قرار داد.

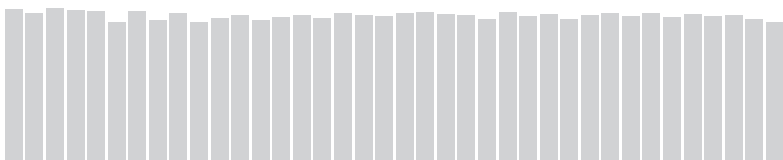
انقلاب اسلامی، نعمت بی‌بدیلی بود که رهین ملت ایران شد تا مسیر تمدن‌سازی اسلامی و الگو شدن برای جهان بشریت را ببیند و البته در این طریق

راه ناپیموده هنوز زیاد است و نیازمند گام‌هایی استوار و خردورزانه هستیم. اندیشکده‌ی برهان که متشکل از جمعی از فرزندان انقلاب اسلامی است، کانونی است فعال در زمینه تبیین گفتمان تمدن‌ساز انقلاب اسلامی. تلاش این موسسه اندیشه‌محور بر این است که با تکیه بر سرمایه و استعداد معرفتی - علمی نیروهای فرهیخته جریان انقلابی و ارزشی به تبیین گفتمان انقلاب کمک کرده، در مسیر تربیت نیروهای فکری تراز انقلاب اسلامی و یا به تعبیری «مؤمن اندیشه‌ورز جهادی» بکوشد.

این موسسه خود مسیر مطلوب خود را حرکت در چارچوب الگوی امام-امت می‌داند و بر این اساس، مبنای گفتمان‌سازی جهاد‌گرا فکری این اندیشکده بر پایه‌ی تبیین بیانات و دغدغه‌ها و مطالبات سیاسی-فرهنگی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و تولید پژوهش‌های معرفتی و راهبردی معطوف به این مهم است. اندیشکده‌ی برهان بر آن است که در مسیر یک جهاد فکری و اعتقادی منسجم و متقن با پاسخگویی مستدل و منطقی به پرسش‌ها و مسئله‌های کنونی جامعه، گره‌گشایی از معضلات فکری و نظری و شبهه‌زدایی و تولید تحلیل و تأملات سالم و پالوده از کج‌اندیشی و انحراف، گام بردارد.

محمدجواد اخوان

مدیر اندیشکده برهان



مقدمه

چشم‌انداز رابطه‌ی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده‌ی آمریکا طی ایام اخیر، به موضوعی مناقشه‌برانگیز نزد صاحب‌نظران و صاحب‌منصبان سیاسی در دو کشور بدل گردیده است؛ موضوعی که با پیروزی دولت تدبیر و امید در انتخابات ۱۳۹۲، بروز چالش‌های نوین امنیتی در منطقه‌ی خاورمیانه، بهبود سطح روابط ایران با کشورهای اروپایی و نیز اظهار تمایل رسمی و غیررسمی برخی مقامات ایرانی و آمریکایی بر حل مسائل و ابهامات فی‌مابین، فراگیر شده است. به‌نحوی که همه‌ی گزاره‌ها گویای تمایل به خروج از وضعیت تقابل و تخاصم به رقابت و تعامل است. در این رابطه، تجزیه و تحلیل چشم‌انداز روابط ایران و آمریکا در مرکز توجه نویسنده قرار گرفته است؛ آن هم با تمرکز بر مواضع تهران در قبال واشنگتن. این در حالی است که در جبهه‌ی ایرانی، می‌توان چهار قسم نگرش و ادبیات سیاسی متمایز را نسبت به ضرورت و چشم‌انداز تعامل با آمریکا را مشاهده نمود:

۱. الگوی «تسلیم»: قائل به لزوم برقراری رابطه‌ی همه‌جانبه و تسلیم بدون قید و شرط در برابر خواسته‌های آمریکا.
 ۲. الگوی «تقابل-تخاصم»: قائل به امتناع برقراری رابطه با آمریکا و مهمل بودن مذاکره با آمریکا.
 ۳. الگوی «تعامل محدود»: قائل به لزوم تعامل با تمام کشورها برای حل مسائل اقتصادی و سیاسی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل از طریق مذاکره محدود با آمریکا.
 ۴. الگوی «تعامل مشروط»: قائل به لزوم تعامل مشروط با تمام کشورها برای حفظ و بسط منافع و اهداف ملی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر یک برنامه‌ی جامع راهبردی (عزت، حکمت و مصلحت).
- سیاست خارجی ایران، مانند هر کشوری، معلول متغیرهای متعدد و متفاوتی در سطوح مختلف تحلیل فردی، ملی و بین‌المللی (اعم از جهانی و منطقه‌ای)

است که با وجود این، به اقتضای رعایت اختصار، به ناچار مباحث این پژوهش به بخشی از محذورات اثرگذار بر چگونگی رابطه‌ی ایران با آمریکا، محدود شده است. بنابراین کاربری نظریه‌ی چندوجهی جیمز روزنا، به مثابه‌ی چارچوب مفهومی، ضمن تأکید بر منابع فردی و نقش، به عنوان دو دسته از مهم‌ترین منابع سیاست خارجی، قابلیت تحلیلی و قدرت تبیین بیشتری برای تجزیه و تحلیل رابطه‌ی ایران و آمریکا فراهم می‌سازد. منظور از منبع فردی، ویژگی‌های شخصی (idiocyncritic) تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران خارجی است که آنان را از افراد دیگر متمایز می‌سازد. از این رو، نظام ارزشی، باورها، تجربیات تاریخی، جامعه‌پذیری، پایگاه طبقاتی و خاستگاه فکری رهبران، نقش انکارناپذیری در سیاست خارجی ایفا می‌کند که باید مورد توجه قرار گیرد. در همین رابطه، متغیرهای مربوط به نقش، به معنای آن دسته از عواملی است که از ماهیت مناصب سازمانی و هویت تاریخی نشئت می‌گیرد و برای صاحب‌منصب محدودیت رفتاری ایجاد می‌کنند.^۱

در این رابطه، با عطف به مواضع و رویکرد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) رهبر انقلاب اسلامی ایران، نسبت به رفتار دولت آمریکا، پرسش اصلی این پژوهش آن است که الگوی سیاست خارجی ایران پیرامون تعامل با دولت آمریکا چیست؟ و اینکه چشم‌انداز رابطه‌ی ایران با ایالات متحده‌ی آمریکا چیست؟ در کنار این پرسش اصلی، پرسش‌های فرعی دیگری نیز ناظر بر سوابق روابط و سیاست‌های آمریکا در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران، مدنظر قرار دارد که به فراخور موقعیت، مورد اشاره قرار خواهد گرفت. فرضیه‌ی پژوهش آن است که اگر رفتار دولت آمریکا از آنچه استکبارورزی خوانده می‌شود خارج شود، آن‌گاه شاهد صورت‌بندی اعتماد خواهیم بود. این از لحاظ نظری بدین معناست که اعتماد رمز تعامل ایران و آمریکاست و ضرورت پژوهش ناشی از همین است.

قابل ذکر است با تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و عطف نظر بر پیشینه‌ی

تاریخی-هویتی مواجهه‌ی ایرانیان یا آمریکا، درمی‌یابیم که «اعتماد در برابر استکبار اشتباه است.» از این رو، گزاره‌ی مذکور به‌عنوان مفروضِ گفتمان سیاست خارجی ایشان است که بر تعامل و مذاکره با دولت آمریکا سایه افکنده است؛ به‌نحوی که موجب تسلط الگوی تعامل مشروط و اتخاذ پویا عکس‌العملی در رابطه با آمریکا می‌گردد.

با عنایت به تمرکز چارچوب مفهومی پژوهش بر جایگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و لزوم درک منطق درونی ادبیات و تصمیمات ایشان، نخست با اتخاذ تحلیل گفتمان (discursive analysis) لا‌کلا و موف به‌مثابه‌ی روش این قابلیت ایجاد شده که بتوان از آن به‌عنوان یک قالب، ظرف و نظم‌دهنده برای تدوین، تنظیم و فهم بهتر یک نظام نشانه‌شناختی، شامل آموزه‌ها و انگاره‌های به‌ظاهر پراکنده، استفاده شود و با مشخص شدن مفصل‌بندی و چگونگی ارتباط یافتن دال‌های گفتمانی در یک نگاه کلان، نظم و منطق حاکم بر آن گفتمان برای مخاطبین روشن گردد.^۱ سپس با اتکا به نظریه‌ی جیمز روزنا پیرامون نحوه‌ی مواجهه‌ی کشورها براساس گزاره‌های سیاسی، تاریخی و هویتی، به تحلیل چشم‌انداز رابطه‌ی ایران با آمریکا پرداخته شده است.

در این پژوهش، با نگاهی توصیفی-تحلیلی به امر واقع، بیشتر قصد معرفی مواضع آیت‌الله خامنه‌ای را با نیم‌نگاهی به پیشینه‌ی روابط داریم؛ به‌گونه‌ای که با تکیه بر گفتار سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (به‌عنوان رهبر انقلاب ایران و شارح گفتمان اسلامی ایران در عرصه‌ی روابط بین‌الملل) نخست به تبیین منطق درونی^۲ این گفتمان می‌پردازیم، سپس شواهد تجربی نشان‌دهنده‌ی بی‌اعتمادی به آمریکا را بیان می‌نماییم و نهایتاً به ارائه‌ی سناریوهای «امکانی» در تبدیل «رابطه‌ی تقابلی» به «رابطه‌ی تعاملی» بین ایران و آمریکا در چارچوب نظریه‌ی روزنا می‌پردازیم.

۱- عباس منوچهری، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران، سمت، ۱۳۹۲، ص ۱۰۹.

۲- Abraham Kaplan. The conduct of Inquiry, 1964.

اهمیت بررسی این مسئله نیز از نقش آفرینی راهبردی هر دو کشور در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی^۱ و جایگاه محوری باورها و ایده‌های نخبگان سیاسی، بالاخص رهبری انقلاب اسلامی ایران، در سیاست خارجی ایران ناشی می‌شود.

لازم به ذکر است که برخی مفاهیم و واژگان کلیدی مهم که در این پژوهش به کار رفته است، عبارت‌اند از: انقلاب اسلامی، دولت آمریکا، گفتمان اسلامی.

۱- اریک والبرگ، کارشناس کانادایی مسائل خاورمیانه، مصاحبه، اسلام تایمز، ۲۰ مرداد ۱۳۹۱

۱. کاوش مفهومی

الف) جمهوری اسلامی ایران: زمستان ۱۳۵۷ ش. ایرانیان با تکیه بر تجارب تاریخی و اجتماعی خویش، توانستند رژیم سلطنتی پهلوی را سرنگون نمایند و نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی را، که درصدد جمع بین حاکمیت الهی و ملی است، برقرار کنند. از این رو، در تعریف و تعیین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، دو اصل را باید مورد توجه قرار داد. اول، ملحوظ داشتن نظام ارزشی و هنجاری حاکم بر جمهوری اسلامی؛ یعنی ماهیت و هویت اسلامی نظام سیاسی. دوم، انتظارات و محدودرات ملی که به‌صورت بینذهنی ساخته شده و ملت ایران تأمین آن را در سیاست خارجی لازم می‌پندارند. این بدان معناست که در مطالعه‌ی سیاست خارجی ایران، علاوه بر منافع ملی، مصالح اسلامی را نیز باید در نظر گرفت.

ب) گفتمان اسلامی: آن مفهوم نهایی یا به‌اصطلاح دال برتری که باعث تولید معنا برای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در عرصه‌ی سیاست داخلی و خارجی شده است و نیز دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

مدظله‌العالی) را به‌عنوان رهبری انقلاب اسلامی ایران و سازنده و شارح اصلی گفتمان اسلامی در عرصه‌ی داخلی و خارجی شکل داده است، خود «دین اسلام» است؛ به‌نحوی که آیت‌الله خامنه‌ای می‌گویند: «ما از اسلام دفاع می‌کنیم. اما منظور ما از اسلام چیست؟ اسلام ما با اسلام متحجر از یک‌سو و اسلام لیبرال از سوی دیگر، در اصول و مبانی کاملاً متفاوت است. ما هم این را رد می‌کنیم و هم آن را. اسلام ما اسلامی است متکی به معنویت، عقلانیت و عدالت. این سه شاخص عمده در آن هست.»^۱

ایشان بر همین اساس، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را نیز پدیده‌هایی از جنس اسلام دانسته و می‌گویند: «مکتب امام یک بسته‌ی کامل است، یک مجموعه‌ی برگرفته از اسلام است، دارای ابعاد عقلانیت، معنویت و عدالت.»^۲ لذا گفتمان سیاست خارجی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌مثابه‌ی خرده‌گفتمان متکی بر اسلام بوده و عمل به اسلام ناب محمدی^۳ (ص) را معیار و ملاک پیروزی و پیشرفت کشور ایران بیان می‌نماید. همچنین این مفهوم محوری در قانون اساسی^۴ و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز مکرراً تصریح گردیده است.

۲. مختصات بی‌اعتمادی رهبری انقلاب ایران نسبت به تعامل با دولت آمریکا

اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، صلح و ثبات بین‌المللی و منطقه‌ای بوده و جنگ استثناست. قانون اساسی در اصل ۱۵۲ بیان می‌دارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی براساس... روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحارب استوار است.» امام خمینی هم بیان می‌دارد: «ملت‌های اسلامی...»

۱- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲۵ مرداد ۱۳۸۳.

۲- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «در بیست‌ودومین سالگرد امام خمینی(ره)»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۴ خرداد ۱۳۹۰.

۳- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «مکتوبات»، تهران، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، جلد ۱۴، ص ۱۶.

۴- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸، اصل اول، ص ۵.

صلح‌جویی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را با تمام دولت‌ها و ملت‌ها طالب می‌باشند.^۱ این در حالی است که «سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴» تصریح کرده است: «ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ای با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.»^۲

در همین رابطه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) قائل به تفکیک میان ملت آمریکا با دولت آمریکا هستند. ایشان با تکیه بر منطق اسلام مبنی بر لزوم محبت و خدمت به همه‌ی انسان‌ها، می‌گویند: «ما می‌خواهیم به همه‌ی انسان‌ها خدمت کنیم، محبت کنیم. ما می‌خواهیم با همه‌ی انسان‌ها، با همه‌ی ملت‌ها، روابط دوستانه و محبت‌آمیز داشته باشیم. ما حتی با ملت آمریکا هم (با اینکه دولت آمریکا دولت مستکبر و دشمن، بدخواه و کینه‌ورز نسبت به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است) هیچ دشمنی نداریم؛ آن‌ها هم مثل بقیه‌ی ملت‌هایند.»^۳

همچنین ایشان بارها تأکید نموده‌اند که «تعامل با دنیا هیچ ایرادی ندارد، ما از اول هم اهل تعامل با دنیا بودیم، منتها در تعامل، طرف مقابل را باید شناخت.»^۴ چراکه تعامل دوسویه است و در تعامل و مناسبات دوجانبه، همواره باید تنظیم روابط مدنظر باشد و به‌گونه‌ای عمل شود که طرف مقابل احساس کند هرگونه رفتار مثبت و یا منفی، دارای واکنش و نتیجه‌ی متناسب با آن خواهد بود. در واقع از منظر ایشان، تعامل ارجاع پیدا می‌کند به شناخت و متناظر با شناخت، نوع کنش تعاملی مخاطب و سطح روابط آنان تنظیم می‌گردد؛ به‌نحوی که علی‌رغم پذیرش تعامل بین‌المللی به‌عنوان قاعده‌ی کلی، بی‌اعتمادی طرفین، موجب تخصیص و استثنای بدین قاعده می‌شود.

۱- امام روح‌الله خمینی، صحیفه‌ی نور، تهران، دفتر حفظ و نشر آثار امام، ۱۳۷۸، جلد ۱۱، ص ۲۶۲ تا ۲۶۶.

۲- سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، آذر ۱۳۸۲.

۳- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیانات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲۹ آبان ۱۳۹۲.

۴- همان، ۳۰ تیر ۱۳۹۲.

علی‌رغم مساعد نمایاندن و پژواک فضای رسانه‌ای و دیپلماسی بر روی برقراری ارتباط تهران-واشنگتن طی ماه‌های اخیر، رهبر انقلاب اسلامی ایران در فرصت‌های متناوب، ضمن اظهار عدم مخالفت با مذاکره و تعامل با دولت‌ها از جمله ایالات متحده آمریکا براساس اصل احترام متقابل، به یک نکته‌ی کلیدی اشاره می‌نماید: «عدم اعتماد» و «عدم خوش‌بینی» به مذاکره با آمریکا.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) برای نخستین بار در روزهای پایانی سال ۱۳۹۱، با اشاره به داغ شدن موضوع مذاکره گفتند: «اخیراً آمریکایی‌ها باز مسئله‌ی مذاکره را پیش کشیدند. تکرار می‌کنند که آمریکا آماده است با ایران مذاکره‌ی مستقیم بکند. این تازگی ندارد. مسئله‌ی مذاکره را آمریکایی‌ها در هر مقطعی تکرار کرده‌اند. می‌خواهند به دنیا اعلام کنند که ما حُسن نیت داریم. نه، ما حُسن نیتی مشاهده نمی‌کنیم.»^۱

البته این ادبیات بعدها چندین بار در سخنرانی‌های ایشان به مناسبت‌های گوناگون بیان شده است؛ در مراسم جشن نوروز سال ۱۳۹۲، ضمن اشاره بدین موضوع، گفتند: «آمریکایی‌ها مرتب از راه‌های گوناگون به ما پیغام می‌دهند که بیایید درباره‌ی مسئله‌ی هسته‌ای گفت‌وگو کنیم؛ هم به ما پیغام می‌دهند، هم در تبلیغات جهانی‌شان این را مطرح می‌کنند. مسئولین بلندپایه و مسئولین میانی آمریکا بارها و بارها می‌گویند بیایید در کنار گفت‌وگوهایی که درباره‌ی مسائل هسته‌ای بحث می‌کنند، آمریکا و جمهوری اسلامی دوبه‌دو، درباره‌ی مسئله‌ی هسته‌ای ایران بحث کنند. من به این گفت‌وگوها خوش‌بین نیستم.»^۲

همچنین ایشان در نشستی با کارگزاران جمهوری اسلامی ایران، ضمن تکراری خواندن مواضع اعلامی آمریکایی‌ها، می‌گویند: «آمریکایی‌ها

۱- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «در دیدار با فرماندهان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۹ بهمن ۱۳۹۱.

۲- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «در دیدار مردم»، ۱ فروردین ۱۳۹۲.

می‌گویند ما می‌خواهیم با ایران مذاکره کنیم. خوب، سال‌هاست که می‌گویند می‌خواهیم مذاکره کنیم. این یک فرصتی نیست که برای ما به وجود آوردند. من اول سال گفتم که خوش‌بین نیستم. در مسائل خاص، مذاکره را منع نمی‌کنم (مثل مسئله‌ی خاصی که در قضیه‌ی عراق داشتیم و بعضی از قضایای دیگر)، لیکن من خوشبین نیستم، چون تجربه‌ی من این را نشان می‌دهد. آمریکایی‌ها، هم غیرقابل اعتمادند، هم غیرمنطقی‌اند، هم در برخوردشان صادق نیستند.^۱

این در حالی است که ایشان در نخستین دیدار رسمی با اعضای دولت یازدهم، با تبیین لزوم شناسایی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های درون‌زای کشور، به بازخوانی تلاش دشمنان خارجی برای تضعیف جمهوری اسلامی ایران طی سی و چند سال گذشته پرداختند و هم‌زمان با مطرح شدن موضوع مذاکره با آمریکا گفتند: «نمی‌گوییم از این‌ها [ظرفیت‌های خارجی] استفاده نکنید، اما می‌گوییم اطمینان نکنید، اعتماد نکنید، چشم به آنجا ندوزید، چشم به داخل بدوزید.»^۲

اعتماد فرضی شناختی است که کنشگران فردی یا جمعی در تعامل با دیگران به کار می‌بندند. این فرض شناختی، با ترجیحات و تمایلات رفتاری دیگران از لحاظ آمادگی آن‌ها برای کمک، همکاری و پرهیز از اقدامات خودخواهانه، فرصت‌طلبانه و خصمانه ارتباط دارد. این پدیده‌های خرد که از ارزیابی مستمر رفتار احتمالی «دیگران» ناشی می‌شود، از عوامل تعیین‌کننده‌ی گزینه‌ها و توانمندی‌های سیاست‌کلان برای حل مشکلاتی هستند که پیش روی نخبگان سیاسی قرار دارد.^۳ در واقع اعتماد به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. رسیدن به وضعیت «عدم اعتماد» نمایانگر عدم

۱- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۳۰ تیر ۱۳۹۲.

۲- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت یازدهم»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۶ شهریور ۱۳۹۲.

۳- کلاوس افه، چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟، ترجمه‌ی کیان جهانیخس، تهران، نشر تیرازه، ۱۳۸۴، ص ۳۴.

تحقق تعاریف و شرایط پیش گفته است. همان‌طور که آورده شد، ادعای بی‌اعتمادی در طرف آمریکایی نیز نسبت به جمهوری اسلامی ایران وجود دارد،^۱ اما این بی‌اعتمادی نسبت به دعوت‌ها و ادعاهای مقامات آمریکایی، علاوه بر پشتوانه‌های گفتمانی، زمینه‌ها و عوامل تجربی نیز داشته است.

بر این اساس، آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی‌هایی پس از اشاره به درخواست‌ها و تمایل‌های داخلی و خارجی برای برقراری روابط میان ایران و آمریکا، ضمن تبیین نگرش خود نسبت به موافقت با مذاکره و تعامل با دولت آمریکا، مخاطبین را متوجه پیشینه و الگوی مواجهه‌ی دولت ایالات متحده آمریکا با دولت و ملت ایران در طول دهه‌های گذشته می‌نماید. مسائلی تاریخی که حال در صورتی گفتاری ظاهر شده‌اند و تصویرگر «بی‌اعتمادی» مقامات ایران نسبت به دولتمردان آمریکاست. لذا رهبر معظم انقلاب تأکید دارند که «تا وقتی دولت آمریکا روش خود را، سیاست‌های خود را، مثل این سی سال علیه ما ادامه دهد، ما همان آدم سی سال قبل، همان ملت این سی سال هستیم. ملت ما از اینکه باز هم شما شعار بدهید که مذاکره و فشار، ما با ایران مذاکره می‌کنیم، در عین حال فشار هم وارد می‌آوریم (هم تهدید، هم تطمیع) بدش می‌آید. این جور با ملت ما نمی‌شود حرف زد... شما تغییر کنید، ما هم رفتارمان تغییر خواهد کرد.»^۲

البته بی‌اعتمادی و عدم اطمینان مسئله‌ای دوسویه میان دولتمردان هر دو کشور بوده که ریشه در فهم طرفین از یکدیگر دارد؛ به‌نحوی که این مفهوم مشترک در کلام مقامات آمریکایی نیز شنیده می‌شود.^۳ در این رابطه، نخست لازم است ریشه‌ها و زمینه‌های بی‌اعتمادی رهبری انقلاب ایران نسبت به آمریکا کشف و فهم گردد تا ضمن شفاف شدن فضای حاکم بر روابط دو کشور، کمکی برای تحلیل چشم‌انداز تعامل ایران و آمریکا باشد. از این رو،

۱- مایکل روبین، «یا می‌توان به ایران اعتماد کرد؟»، مؤسسه‌ی امریکن اینترپرایز، ۲۰۱۳.

۲- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیانات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱ فروردین ۱۳۸۸.

۳- ن.ک.به: کریستین کوپر، «مقاله‌ی راهبردی»، اندیشکده‌ی امنیت ملی ترومن، ۲۰ ژانویه ۲۰۰۹.

این پرسش مطرح است که عامل یا عوامل بی‌اعتمادی چیست؟

۳. استکبارستیزی به‌مثابه‌ی نشانه‌ی مرکزی گفتمان سیاست خارجی رهبری انقلاب ایران

در عرصه‌ی روابط بین‌الملل، مفهوم محوری (نشانه‌ی مرکزی) برای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، «استکبارستیزی» است. در واقع یکی از «دیگر»های اسلام از منظر رهبری انقلاب اسلامی ایران در عرصه‌ی سیاست خارجی «استکبار» است که در تاریخ معاصر ایران از جانب دنیای مدرن غربی متوجه ایران و سایر سرزمین‌های اسلامی گردیده است. در این منظومه‌ی گفتمانی، استکبار به معنای «برتری‌طلبی» است که گاه از فرد، گروه یا جامعه‌ای نسبت به دیگر افراد، گروه‌ها و جوامع ضعیف سر می‌زند که همان طلب سیطره و بزرگی کردن بر دیگران است. مطابق آموزه‌های اسلام، هر بشری خارج از معیارهای دین، سعی در اعمال سلطه و برتری بر انسان‌های دیگر نماید، «مستکبر» محسوب می‌شود. بر این اساس، استکبار کنشی شیطنانی برای به استضعاف کشیدن انسان‌ها و جوامع است. لذا رهبری انقلاب اسلامی اعلام می‌دارند «مبارزه‌ی با سلطه هم یکی از وظایف دولت اسلامی»^۱ است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) سه خصوصیت را برای نظام‌های استکباری بیان می‌نماید: «خودبرترینی، حق‌ناپذیری، تحقیر و تجاوز به آحاد بشریت و فریبگری». لذا نظام اسلامی ضمن مخالفت با این خصوصیات سه‌گانه‌ی نظام‌های استکباری، با آن‌ها مقابله می‌کند.^۲ در واقع می‌توان گفت این خصوصیات به‌عنوان شاخص‌های شناسایی و تنظیم روابط با بازیگران بین‌المللی برای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هستند.

انگاره‌ی استکبارستیزی در منطق گفتمان مورد بحث، صرفاً متعلق به

۱- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیانات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۸ شهریور ۱۳۸۴.

۲- همان، ۲۹ آبان ۱۳۹۲.

روابط مسلمین و ملت‌های مسلمان با دیگر بازیگران و جریان‌ها بین‌المللی نیست، بلکه ناظر بر نوع تعامل و روابط میان همه‌ی ملت‌ها با قدرت‌های سلطه‌طلب و جریان استکبار است. لذا در این گفتمان، هر رفتار و سیاستی در عرصه‌ی بین‌المللی از سوی دولت‌ها یا سایر بازیگران که در جهت تعمیق و تداوم سلطه و وابستگی باشد، مذموم قلمداد می‌شود.^۱ وجود «اسلام» به‌مثابه‌ی دال برتر برای خرده‌گفتمان استکبارستیزی و رسالت جهانی دین اسلام، بیانگر رویکرد فراملی از سوی چنین گفتمانی است. در این چارچوب، انگاره‌ها، رویدادها و روندهایی که در عرصه‌ی سیاست خارجی با رویکرد استکبارستیزی مغایرت داشته باشد، مورد نقد و اعتراض قرار می‌گیرد.^۲ تا به اینجا بی‌اعتمادی به‌مثابه‌ی مانع تعامل شناسایی شد و یکی از دلایل بی‌اعتمادی نیز استکبارورزی بیان گردید، اما نسبت دولت آمریکا با این چارچوب یا الگوی تحلیلی آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟

۴. آمریکا در رأس نظام سلطه به‌مثابه‌ی غیریت (other)

از منظر تحلیل گفتمانی، هر گفتمان در فرآیند غیریت‌سازی شکل می‌گیرد. این فرآیند در گفتمان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نسبت به حوزه‌ی سیاست خارجی نیز قابل شناسایی است. با توجه به توضیحات پیش‌گفته، انقلاب اسلامی در مواجهه با بحران انحطاط داخلی و تهاجم و سلطه‌جویی آمریکاییان شکل گرفته است. بدین سان خاستگاه تاریخی استکبارستیزی اساساً در غیریت‌سازی با «آمریکا» در رأس نظام سلطه بوده است؛ به‌نحوی که پیشینه‌ی روابط آمریکا با ایران با تعین سه خصوصیت نظام‌های استکباری در دولت آمریکا، در عرصه‌ی سیاست خارجی، مردم و رهبران ایران را به این فهم رسانده است که «دولت ایالات متحده‌ی آمریکا

۱- هادی آجیلی، صورت‌بندی گفتمان اسلامی در روابط بین‌الملل، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹، ص ۲۵۳.

۲- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیانات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲۹ خرداد ۱۳۹۱.

مظهر و رأس امروزیین استکبار است.^۱ این فهم، یعنی تقابل سیاست‌های آمریکا (سلطه‌طلبی) با استکبارستیزی ایران، مرکز ثقل روابط ایران و آمریکاست. در واقع ضمن احترام نسبت به ملت آمریکا، رفع نگرش و رفتار استکباری از سوی دولت آمریکا را شرط لازم پذیرش و تعامل متقابل دو کشور می‌دانند.

آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است رفتارهای خصمانه (چه رؤسای جمهور جمهوری خواهشان، چه رؤسای جمهور دمکراتشان)^۲ ذهنیت ایرانیان از دولت آمریکا را به‌سوی مفهوم استکبار سوق داده و تثبیت نموده است. لذا در همین چارچوب می‌گویند: «ما نگاهمان به آمریکا، نفی موجودیت استکباری آمریکاست، والا... دولت آمریکا یک دولتی است مثل بقیه‌ی دولت‌ها. استکباری بودن آمریکا، سلطه‌ی جهانی بودن، ابرقدرتی آمریکا، از نظر ما مردود است. ما قبول نداریم. پس این شد مخالفت بنیانی. این مخالفت بنیانی هم گاهی اوقات فعال است، گاهی آرام است.»^۳

۵. زنجیره‌ی نفی‌ها و تمایزات در گفتمان سیاست خارجی رهبری انقلاب

ایران

در این بخش، ابتدا لازم است که در یک فرآیند غیریت‌سازی، زنجیره‌ی نفی‌های گفتمان مورد بحث را در زمینه‌ی مفهوم استکبارستیزی تدوین و بررسی نماییم. در این زمینه، آیت‌الله خامنه‌ای با تذکر نسبت به مسیر امروز تاریخ، آن را مسیر ظلم، مسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری دانسته که یک عده در دنیا سلطه‌گرنده، یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند.^۴ به‌نحوی که براساس اصل استکبارستیزی، زنجیره‌ی نفی‌ها شامل نفی سلطه‌پذیری (وابستگی) و نفی سلطه‌جویی (استکبار) را می‌توان شناسایی نمود.

۱- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «مکتوبات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، جلد ۷، ص ۱۳۶.

۲- همان، ص ۶.

۳- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «مکتوبات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، جلد ۹، ص ۱۵۳.

۴- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیانات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۹ دی ۱۳۹۱.

الف) نفی سلطه پذیری

یکی دیگر از مفاهیمی که در روابط بین الملل وجود داشته و مورد نفی گفتمان اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) است، ذیل مفهومی کلان با عنوان «نفی سیل» قابل ارزیابی است و آن «وابستگی»، «سلطه پذیری» و «ظلم پذیری» است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این قاعده‌ی کلی را به عنوان سیاست ثابت و پایدار بیان کرده است.^۱ از این منظر، وابستگی نتایجی منفی چون اتکا به بیگانگان، بزرگ شمردن قدرت‌های بزرگ و تداوم وابستگی و استمرار سلطه طلبی جریان استکبار را در پی خواهد داشت. در این زمینه، رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «نفی استثمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملت‌ها از جانب قدرت‌های سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرت‌های مسلط و نفی سکولاریسم اخلاقی و اباحی‌گری، نفی‌های قطعی جمهوری اسلامی ایران هستند».^۲

همچنین ایشان در اعتراض به این روند ظالمانه می‌گویند: «ظلم بارزی که امروز بر مجموعه‌ی بشریت دارد می‌رود، مشهود همه است. ظلم قدرت‌های مسلط بر ملت‌هایی که دست‌شان از امکانات دفاعی خالی است، جلوی چشم همه است، این را مشاهده می‌کنید. یک قدرتی از هزاران کیلومتر راه بلند می‌شود می‌آید اینجا در منطقه‌ی ما، بر یک کشوری که دستش خالی است و امکاناتی ندارد، به‌زور سلطه‌ی خود را تحمیل می‌کند. آن وقت عروسی‌ها را تبدیل به عزا می‌کنند. هلیکوپترهاشان مرگ بر سر مردم می‌ریزند. خانه‌های مردم را ویران می‌کنند. کسی هم نمی‌تواند به آن‌ها چیزی بگوید. عذرخواهی هم نمی‌کنند! این وضع دنیا است. حتی در کشورهای پیشرفته هم همین جور است. امروز همین مسائل اقتصادی دنیا را که نگاه کنید، می‌بینید وضع همین گونه است».^۳

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸، اصل ۱۵۲، در اصل ۱۵۳ نیز «هرگونه قرارداد که موجب سلطه‌ی بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارزش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است».

۲- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیانات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲۴ آذر ۱۳۸۷.

۳- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیانات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲۹ خرداد ۱۳۹۱.

ب) نفی سلطه جویی

در این گفتمان دوانگاری مستضعفین-مستکبرین مطرح می‌گردد و سلطه‌جویی بر دیگران نفی می‌شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌عنوان رهبر و حافظ جمهوری اسلامی ایران، «شعار نه شرقی، نه غربی را شعار رد و نفی استکبار و مستکبران و شعار استقلال ملت ایران»^۱ اعلام می‌دارند. در واقع مستکبران کسانی هستند که خودشان و دیگران آن‌ها را برتر می‌شمارند، در صورتی که در واقع امر چنین نیست. همچنین ایشان با فهمی موسع از رویکرد سلطه‌جویی در جهان امروز، هشدار می‌دهند که «عمده‌ی موضوع‌هایی که قدرت‌های سلطه‌گر در نظام سلطه‌ی جهانی برای حفظ این رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر روی‌اش تکیه می‌کنند، سه موضوع است: سلطه‌ی فرهنگی، سلطه‌ی اقتصادی، سلطه‌ی علمی».

همچنین در قرآن کریم، نشانه‌هایی برای سلطه‌جویان ذکر شده است: برتری جویی و خودبزرگ‌بینی، تفرقه‌افکنی در میان مردم، سرکوب بی‌رحمانه و کشتار مخالفان، ترویج فساد، تحقیر و توهین مردم.^۲ این نفی سلطه‌جویی در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز تصریح شده تا ملاک عمل قرار گیرد؛ به‌نحوی که مطابق اصل سوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی، نظامی مردم‌سالار دینی است که موظف به «طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب و محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی»^۳ است.

براساس این دو رکن نفی‌شده در فرآیند غیریت‌سازی، اصل یک‌صد و پنجاه و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با مرزگذاری میان خودی (مستضعفین عالم) و غیرخودی (مستکبرین عالم)، تصریح می‌نماید «سیاست خارجی جمهوری اسلامی براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان و عدم تعهد در برابر

۱- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «مکتوبات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، جلد ۲۵، ص ۲۸.

۲- قرآن کریم، به نقل از هادی آجیلی، صورت‌بندی گفتمان اسلامی در روابط بین‌الملل، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.

۳- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸، اصل سوم، ۲۹.

قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب، استوار است.»
 حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز در تبیین نقشه‌ی راه سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌گویند: «در سیاست خارجی، اصول ما عبارت است از ایستادگی در مقابل سیاست‌های مداخله‌گر و سلطه‌طلب، برادری با ملت‌های مسلمان، ارتباط برابر با همه‌ی کشورها به جز کشورهایی که تیغ را بر روی ملت ایران کشیده‌اند و دشمنی می‌کنند، مبارزه‌ی با صهیونیسم، مبارزه برای آزادی کشور فلسطین، کمک به مظلومین عالم و ایستادگی در برابر ظالمان.»^۱ بر این اساس، در طول عمر جمهوری اسلامی، این دو مؤلفه با فراز و فرودهایی مبنای سیاست‌گذاری و سیاست‌ورزی نظام سیاسی ایران در عرصه‌ی خارجی قرار گرفته است تا ضمن مخالفت با رویکردهای استکباری، تعامل و ارتباط با مستکبرین نیز ممتنع گردد.

۶. زنجیره‌های هم‌ارزی (سامانه‌ی مفصل‌بندی استکبارستیزی)

حال پس از مشخص شدن زنجیره‌ی نفی‌های گفتمانی، به زنجیره‌ی اثبات‌ها و ایجاب‌های گفتمان مورد نظر در این زمینه می‌پردازیم. رهبر معظم انقلاب اسلامی در چارچوب مکتب الهی-سیاسی اسلام، اساس مسئله برای ملت را در درجه‌ی اول، عبارت از همین استقلال و آزادی می‌دانند. البته معتقدند بهای کسب استقلال و آزادی سنگین است، زحمت و مشکلات دارد. ۲ در واقع مردم و رهبران سیاسی-مذهبی، انقلاب اسلامی را حامل دو آرمان بنیادین استقلال و آزادی در عرصه‌ی سیاست خارجی می‌دانستند.

الف) استقلال

یکی از عناصر مهم زنجیره‌ی اثبات گفتمانی، کسب و حفظ استقلال سیاسی،

۱- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیست‌و‌چهارمین سالروز رحلت امام خمینی (ره)»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۴ خرداد ۱۳۹۲.

۲- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲۰ بهمن ۱۳۶۸.

اقتصادی، علمی و فرهنگی جامعه‌ی اسلامی است. می‌توان گفت مهم‌ترین هدف نهی و نفی دائمی سلطه‌پذیری، حفظ استقلال و عزت کشور است. ۱. به‌طور منطقی و طبیعی، برنتافتن سلطه، متضمن و مستلزم عدم وابستگی به نظام سلطه و عدم تعهد نسبت به قدرت‌های سلطه‌گر است؛ به‌نحوی که آیت‌الله خامنه‌ای یکی از الزامات پیشرفت را حفظ استقلال کشور اعلام می‌نماید و می‌گوید: «هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین‌کننده‌ی استقلال کشور باشد. این باید به‌عنوان یک شاخص به حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طراحی‌شونده‌ی برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، ذلیل کند و دنباله‌رو کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند، مردود است. یعنی استقلال یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه‌ی پیشرفت و توسعه است. پیشرفت ظاهری (با وابسته شدن در سیاست و اقتصاد و غیره) پیشرفت محسوب نمی‌شود.» ۲. لذا ایشان فرآیندهایی چون جهانی شدن را نیز ابزارهای استکباری و آمریکایی، به معنای تبدیل شدن به یک پیچ‌ومهره‌ای در ماشین سرمایه‌داری می‌دانند. البته در این منظومه‌ی گفتمانی، تأکید بر استقلال، مانع از برقراری روابط با سایر جوامع و حکومت‌ها براساس احترام متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز نیست. ۳. در این زمینه، در قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل حفظ استقلال همه‌جانبه، وحدت و تمامیت ارضی کشور در اصل ۱۵۲ آمده است.

ب) آزادی

آزادی که در شعارهای اصلی انقلاب اسلامی نیز گنجانده شده، دال شناوری است که پس از تثبیت معنا در گفتمان استکبارستیزی، قید مشروع بودن را می‌بایست به آن اضافه کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن اشاره به اهمیت

۱- جلال دهقانی فیروزآبادی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱.

۲- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیانات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸.

۳- هادی آجیلی، صورت‌بندی گفتمان اسلامی در روابط بین‌الملل، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹.

آزادی، معتقدند که «آزادی اگر از دست برود، فاجعه است... [اما همچنان تأکید دارند]... اگر فرهنگ و ادب آزادی را هم نشناسیم باز فاجعه خواهد شد.»^۱ به عبارت دیگر، سلطه جویی و اباحه‌گری از یک‌سو و سلطه‌پذیری و وابستگی از سوی دیگر، مورد نفی قرار می‌گیرد و به جای آن مفهوم «آزادی مشروع» در حوزه‌ی داخلی و خارجی جایگزین و اثبات می‌شود. لذا هرچند آزادی محترم است، اما آزادی محدودیت‌های ارزشی و قانونی خود را دارد؛ یعنی به اسم آزادی، نه می‌توان بر دیگری یا دیگران استیلا یافت، نه تحت استیلا کسی یا کسانی قرار گرفت.

در این گفتمان، در کنار عنصر استقلال، به عنصر آزادی توجه ویژه شده است که هر دو این عناصر به جمهوری اسلامی ارتباط مستقیم پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، استقلال و آزادی در عین اینکه به یکدیگر مرتبط هستند، در ارتباط با جمهوری اسلامی معنا پیدا می‌کنند. استقلال بدون وجود آزادی، که همان ظهور اراده‌ی ملی و پشتوانه‌ی ملی است، دوام نمی‌یابد و آزادی نیز بدون وجود استقلال، منجر به وابستگی و استحاله در نظام بین‌الملل خواهد شد؛^۲ چراکه از اهداف ملت ایران [در انقلاب اسلامی] این بود که بتواند در سایه‌ی اسلام، استقلال و آزادی به دست بیاورد.^۳ لذا مفهوم استقلال و آزادی در چارچوب شعار «نه شرقی، نه غربی» به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هویت انقلابی و دینی بخشیده است. هویت یا کیستی که امکان فهم و تحلیل گفتار و رفتار رهبر انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را فراهم می‌آورد.

۷. دقایق گفتمانی سیاست خارجی رهبری انقلاب ایران (استکبارورزی دولت آمریکا رزمی اعتمادی و مانع تعامل با آمریکا)

در این بخش، با استناد به بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و برخی شواهد

۱- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیانات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۹ اسفند ۱۳۷۹.

۲- هادی آجیلی، همان، ص ۱۵۱.

۳- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیانات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۸.

و داده‌های خبری موجود، به تدوین و تبیین دقیق گفتمانی می‌پردازیم.

الف) دشمنی دولت آمریکا با جمهوری اسلامی ایران (ریشه‌های هویتی-تاریخی بی‌اعتمادی/تقابل)

ضروری است با رجوع به بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و بازخوانی بخشی از اقدامات دولت ایالات متحده علیه استقلال و آزادی جمهوری اسلامی ایران، انگیزه‌ها و نشانه‌های بی‌اعتمادی ایشان نسبت به دولت آمریکا را بیان نمود.

الف-۱) شکاف هویتی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا: شکاف هویتی، تفاوت در تعریف از کیستی است. به اعتقاد نگارنده، رفتار و کنش‌های انسانی متأثر از انگیزه‌ها، ذهنیات و مقاصد است که از پدیده‌ها و رویدادهای پیرامونی خویش (جهان‌بینی) دارد. در نظام‌های سیاسی نیز گرچه این روند عمل یکسان است، اما مضمون آن توفیر می‌کند. سبک زندگی، باورهای سیاسی و رفتارهای اجتماعی آمریکایی، بعضاً در تضاد با منظومه‌ی تاریخی، معرفتی و رفتاری ایرانی است. بالاخص در سطح رهبران و نخبگان سیاسی دو دولت، این اختلاف و تفاوت عیان‌تر می‌نماید. آیت‌الله خامنه‌ای با عطف به جهان‌بینی اسلامی، معتقدند در مقابلشان نظام‌های استکباری که براساس منطق مادی و سودمحور رشد کرده‌اند، نمی‌توانند آن را تحمل کنند. این شکاف هویتی، خود موجب صف‌بندی و مرزبندی میان دو کشور گردیده است؛^۱ به‌نحوی که در طول سه دهه‌ی گذشته، با شکل بخشیدن به منازعه‌ای ایدئولوژیک میان آنان، تبعات سیاسی-امنیتی نیز در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی داشته است.

الف-۲) تداخل منافع حیاتی آمریکا و ایران: ایران ژاندارم منطقه یا ایران جزیره‌ی ثبات، گزاره‌هایی راهبردی هستند که در دوره‌ای از سوی مقامات عالی‌رتبه دولت آمریکا به رژیم پهلوی اطلاق می‌شدند. گزاره‌هایی که خبر از اتحاد رژیم پهلوی به آمریکا می‌داد و ایران را به حوزه‌ی نفوذ آمریکا بدل ساخته بود. اما با

۱- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیانات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲۶ شهریور ۱۳۹۲.

پیروزی انقلاب، روابط دو کشور به سرعت از اتحاد به افتراق دگرگون شد. انقلاب پایان نیافته بود. پس از فوریه‌ی ۱۹۷۹م، اتفاق مهم دیگری رخ داد و آن اعلام تسخیر سفارتخانه‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا (نوامبر ۱۹۷۹) توسط جمعی از دانشجویان انقلابی بود. اقدامی که در ایران به‌عنوان انقلاب دوم و مکمل فرآیند مبارزه‌ی ملت ایران علیه ظلم و سلطه خوانده شد.^۱ در حقیقت در ایران سال ۱۳۵۷، یک انقلاب ضد آمریکایی به ثمر رسیده بود.^۲ اما این رخداد آثار و تبعات فراگیری در عرصه‌ی داخلی و خارجی برای دو کشور داشت که می‌توان به برقراری و استمرار سطحی از تقابل و تخاصم در روابط تهران-واشنگتن اشاره نمود. در واقع علاوه بر مصاف هویتی، عامل ثانوی نیز بر روابط آمریکا با ایران تفوق دارد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بر این اعتقاد است که «ایران قبل از انقلاب در مشت آمریکا بود؛ منابع حیاتی‌اش در اختیار آمریکا، مراکز تصمیم‌گیری سیاسی‌اش در اختیار آمریکا، عزل و نصب مراکز حساس در اختیار آمریکا.»^۳ اما آنچه این شکاف هویتی را به تخاصمی واقعی تبدیل نمود، رفتار آمریکایی‌ها بعد از این رویداد بود. دولت آمریکا «با از دست دادن منافع حیاتی خودش در ایران پی انقلاب اسلامی، سی سال است برای اعمال دوباره‌ی برتری و سلطه علیه نظام جمهوری اسلامی و علیه ملت ایران توطئه کرده، ضربه زده، تدابیر گوناگون اندیشیده و هر کار توانسته کرده.»^۴

ب) مداخلات دولت آمریکا در دوره‌ی جمهوری اسلامی (ریشه‌های تاریخی بی‌اعتمادی/تقابل)

ب-۱) از بهمن ۱۳۵۷ تا شهریور ۱۳۵۹ شمسی

۱- از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۵۷... اگرچه ظاهراً مبارزه با رژیم شاه محسوب می‌شد (چون اساساً رژیم شاه را آمریکایی‌ها در سال ۱۳۳۲ بر سر کار آورده بودند و آن‌ها پشتیبانی‌اش می‌کردند)، اما در واقع یک مبارزه‌ی ضدآمریکایی بود. (آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، ۱۱ آبان ۱۳۷۳)

۲- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیانات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۱ آبان ۱۳۷۳.

۳- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «مکتوبات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۶.

۴- همان، ص ۱۹۲.

- حمایت از تجزیه‌طلبان و گروه‌های تروریستی در مرزهای ایران^۱
- عملیات چنگال عقاب^۲ در صحرای طبس (۲۴ آوریل ۱۹۸۰)
- طراحی و پشتیبانی از کودتای نقاب در پایگاه هوایی نوژه (۱۱ ژوئیه ۱۹۸۰)
- تصرف و حبس دارایی‌ها و اجناس ایران در خاک آمریکا و اروپا^۳
- وضع و تشدید تحریم‌های اقتصادی بر ایران^۴

ب-۲) از شهریور ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ شمسی

- دادن چراغ سبز به صدام با هدف فروپاشی جمهوری اسلامی از طریق فشار نظامی^۵
 - حمایت مستقیم و غیرمستقیم از دولت بعثی عراق در جنگ هشت‌ساله علیه ایران^۶
- در نوامبر ۱۹۸۳ آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد که «دولت آمریکا هرآنچه لازم و از نظر قانون موجه است را انجام می‌دهد تا عراق در جنگ با ایران مغلوب نشود.»^۷ همچنین نشریه‌ی «فارین پالیسی» (August، ۲۰۱۳) در گزارشی اختصاصی، با استناد به اسناد سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) نوشته است آمریکا از حملات شیمیایی عراق به ایران مطلع بوده و حتی با دادن تصاویر ماهواره‌ای به صدام حسین، در این حملات کمک می‌کرده است.

۱- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «در دیدار مردم»، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱ فروردین ۱۳۹۲.

2- Operation Eagle Claw

۳- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان»، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۱ آبان ۱۳۷۳.

4- Regulating Covert Action, William Michael Reisman, James E. Baker. 1992. Yale University Press. pp. 62.

۵- در طول این هشت سال، همیشه آمریکایی‌ها پشت سر صدام بودند و به او کمک می‌کردند؛ کمک مالی، کمک تسلیحاتی، کمک کارشناسی سیاسی. تحرک نیروهای ما را در جبهه در ماهواره‌هایشان ثبت می‌کردند، بعد آن را همان شبانه برای قرارگاه‌های صدام می‌فرستادند که از آن‌ها علیه جوان‌های ما و نیروهای ما استفاده کند. (آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، بیانات، سال ۱۳۸۸، ص ۷)

۶- افشای سفرهای محرمانه‌ی متعدد برژنسکی (مشاور وقت امنیت ملی آمریکا) به بغداد، مجله‌ی ژورنال استریت، مورخ ۸ فوریه ۱۹۸۰.

7- A National Security Directive [NSDD 114] states that the US will do whatever was necessary and legal to prevent Iraq from losing its war with Iran. (Forum for Studies in international strategic issues, Volume 9).

این گزارش همچنین نشان می‌دهد واشنگتن در جریان عملیات ایران برای فتح بصره، که به اذعان آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا در صورت موفقیت می‌توانست به فروپاشی ارتش عراق بینجامد، چطور به کمک عراقی‌ها آمد.

• انهدام هواپیمای مسافربری ایران^۱

در آخر جنگ، هواپیمای مسافربری ما را در آسمان خلیج فارس، افسر آمریکایی با موشکی که از ناو جنگی شلیک کرد، ساقط کرد. قریب به سیصد نفر مسافر در این هواپیما بودند که همه‌شان کشته شدند. بعد به جای اینکه آن افسر توبیخ شود، رئیس‌جمهور وقت آمریکا به آن افسر پاداش و مدال داد. ملت ما این‌ها را فراموش کند؟ می‌تواند فراموش کند؟^۲

ب-۳) از ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۸ شمسی

• سرمایه‌گذاری و حمایت از جریان‌های فکری-فرهنگی ضدایران^۳

سایت‌ها و شبکه‌های تلویزیونی راه‌اندازی شده به زبان فارسی که به تهیه‌ی خبر، گزارش، مصاحبه و سازمان‌دهی مخالفان می‌پردازند، از آن‌چنان اهمیتی برخوردار بودند که طی سال‌های اخیر، بودجه‌ی هنگفتی را برای آن‌ها منظور کرده‌اند. تلاش این مراکز ایجاد جو بدبینی و یأس در ایران و تشکیک در اصول، اهداف و برنامه‌های کشور است. از جمله‌ی این مراکز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- گذار متعلق به خانه‌ی آزادی
- توانا متعلق به مرکز آزادی خاورمیانه
- پنجره متعلق به بنیاد ملی برای دموکراسی
- ایران ترکر متعلق به مؤسسه‌ی امریکن اینترپرایز

۱- پرواز مسافربری، بندرعباس-دبی، به شناسه‌ی IR655، مورخ ۳ ژوئیه ۱۹۸۸.

۲- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «مکتوبات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۷.

۳- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیانات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲۳ خرداد ۱۳۹۰.

- چراغ آزادی متعلق به مؤسسه‌ی کیتو

• حمایت از جریان‌های سیاسی معارض جمهوری اسلامی ایران در ۱۸ تیر

۱۳۷۸^۱

می‌توان گفت حمایت از گروه‌های اپوزیسیون دولت هدف، همواره یکی از سیاست‌های دولت‌ها در پیشبرد منافع ملی خویش بوده است. آمریکا نیز به امید کمک‌های گروه‌های اپوزیسیون ایرانی داخل و خارج از کشور، برای تغییر رفتار ایران، بر روی آنان برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری نموده بود. نفیسی، مدیر طرح گفت‌وگو در مرکز مطالعات بین‌المللی دانشگاه جان هاپکینز آمریکا، بهترین شیوه‌ی تضعیف ایران را نه اقدام نظامی، بلکه حمایت از دگراندیشان داخلی اعلام می‌نماید.^۲

• سازمان‌دهی جریان‌های تجزیه‌طلب در مرزهای غربی و شرقی ایران^۳

گزارش ویکی‌لیکس مربوط به ملاقات میر داگان، رئیس وقت سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) و نیکلاس برنز، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در دولت بوش، بیان می‌کند در این ملاقات، داگان راه مقابله با ایران را ناآرامی‌های قومی و در پی آن، تجزیه‌ی خاک ایران اعلام می‌دارد. وی در این گفت‌وگو تأکید ویژه‌ای بر گروه‌های مسلح تجزیه‌طلب کرد می‌نماید که تنها نمونه‌ی خارجی آن گروه‌هاک تروریستی پژاک است. داگان در این گفت‌وگو تصریح می‌کند که گروه‌های فوق آماده‌ی روی آوردن به خشونت و حرکات تروریستی هستند.^۴

ب-۴) ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ شمسی

• حمایت از جریان‌های برانداز و دخالت صریح در فتنه‌ی ۱۳۸۸^۵

۱- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیانات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲۱ تیر ۱۳۷۸.

2- Nafisi, The Dialogue Project, 2007.

۳- برگزاری همایش «ایران ناشناخته: موردی دیگر برای فدرالیسم» به‌منظور شناسایی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های گروه‌های قومی و مذهبی ایران (Leedn). ۲۰۰۶: ۱ تا ۳

۴- ویکی‌لیکس، مجموعه‌ای از اسناد مربوط به سفارت‌های آمریکا در ترکیه و عراق.

۵- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲۹ خرداد

هیلا ری کلینتون، وزیر خارجه‌ی وقت آمریکا، در گفت‌وگو با شبکه‌ی خبری سی‌ان‌ان اذعان کرد که دولت آمریکا در پس پرده تلاش زیادی برای حمایت از «مخالفان» در ایران به کار بسته است. وی در این گفت‌وگو با اذعان به دخالت در امور داخلی ایران افزود: بدون اینکه خود را در میان معارضان ایرانی و نظام قرار دهیم، به صورت گسترده از مخالفان حمایت کردیم. وی تأکید کرد که آمریکا حمایت‌های خود از مخالفان در ایران را ادامه خواهد داد. همچنین در حالی که زمانی از اعلام مواضع جدید رئیس‌جمهور آمریکا و ارسال پیام مکتوب به رهبر ایران مبنی بر بهبود روابط با ایران نمی‌گذشت، باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا نیز در سخنرانی خود پس از دریافت جایزه‌ی صلح نوبل در اسلو، پایتخت نروژ (۲۰۰۹)، از اغتشاشات در ایران حمایت کرد و اقدام اغتشاشگران را در ایران مورد تمجید قرار داد.^۱

• تشدید فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران

طرف آمریکایی در گذشته به کرات سعی کرده و وجهه‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران را در سطح بین‌المللی مخدوش ساخته و با چنین شیوه‌هایی ایران را تحت فشار جهانی قرار دهد. در این راستا می‌توان از تداوم فشارهای دولت آمریکا علیه ایران در خصوص وضعیت دموکراسی و حقوق بشر در ایران،^۲ تلاش‌های خرابکارانه برای متوقف‌سازی برنامه‌ی هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و همچنین اعمال تحریم‌های^۳ شدید پولی، مالی و تجاری بر اقتصاد و معیشت ایرانیان نام برد. صدور بیانیه‌های مکرر در حمایت از آشوب‌طلبان، همجنس‌بازان، متجاوزان به عنف، قاتلین، قاچاقچیان مواد مخدر و جاسوسان، ارائه‌ی گزارش به شورای حقوق بشر سازمان ملل و نهادهای دولتی کشورهای غربی، فشار بر دولت‌ها برای توجه به مسئله‌ی حقوق بشر در روابط خود با

۱۳۹۰

1- Young Reporters Club, [Homepage], (2013), <http://www.yjc.ir>

2- United Nations, 2008.

۳- تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران را می‌توان به پنج دوره اصلی تسخیر سفارت آمریکا (۱۹۷۹-۱۹۸۱)، دوره‌ی جنگ ایران و عراق (۱۹۸۱-۱۹۸۸)، دوره‌ی بازسازی (۱۹۸۹-۱۹۹۲)، دوره‌ی کلینتون با مهار دوجانبه (۱۹۹۳-۲۰۰۱) و پس از واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تقسیم‌بندی نمود.

ایران و غیره، از راهکارهای عمده‌ی آنان در این زمینه بوده است.^۱

آمریکا از اواخر دولت بوش با اتخاذ راهبرد معروف هویج و چماق و از ابتدای دولت اوباما با اتخاذ راهبرد بازدارندگی با رویکرد مهار و سازش، به دنبال طراحی و پیاده‌سازی تهدیدات ترکیبی و هوشمند علیه ایران بوده است که به اذعان نخبگان دو کشور، علی‌رغم هزینه‌ی حداکثری و نتایج حداقلی برای آمریکا، نقشی مؤثر در بی‌اعتمادی ایرانیان به دولتمردان آمریکایی داشته است.^۲ در این راستا، آمریکا تهدید همه‌جانبه را در قبال جمهوری اسلامی ایران پیگیری می‌کند. این کشور اقداماتی اعم از تهدید معتبر نظامی، استمرار و تشدید تحریم اقتصادی، استمرار فشار سیاسی و حقوقی و نیز دعوت به مذاکره را در مقابل ایران، در دستور کار قرار داده است.^۳

ج) عدم وفای به عهد دولت آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران (ریشه‌های روان‌شناختی بی‌اعتمادی/تقابل)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) معتقدند: «این سی سال، تجربه پیدا کرده‌ایم. گاهی به روی ما لبخند زدند. فریب لبخند دشمن را، فریب وعده‌های دروغ دشمن را نخوریم. جبهه‌ی قدرت مادی‌ای که امروز بر دنیا مسلط است، راحت عهد می‌شکند. بدون هیچ دغدغه‌ای عهدشکنی می‌کنند، زیر قولشان می‌زنند، راحت دروغ می‌گویند!»^۴ نقش دولتمردان آمریکایی در شکست مذاکرات هسته‌ای ۲۰۰۳-۲۰۰۵ طرف‌های اروپایی با ایران^۵ و کارشکنی مقامات آمریکایی در قبال ایران در مذاکرات استانبول در اردیبهشت ۱۳۸۹، نمونه‌هایی از عهدشکنی طرف آمریکایی است.

۱- علی عبدالله‌خانی، رویکردها و طرح‌های آمریکایی درباره‌ی ایران، تهران، ابرار معاصر، ۱۳۹۰، ص ۱۷۴.

۲- کنث ام. پولاک و ری تکیه، افزایش فشار بر جمهوری اسلامی ایران، مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی، نشریه‌ی واشنگتن کوانترلی، پاییز ۲۰۱۱.

۳- حسین باراک اوباما، «دیدار با بنیامین نتانیاهو»، نشست خبری کاخ سفید، ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۳.
<http://inn.ir/12566>.

۴- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «خطبه‌های نماز جمعه تهران»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۴ بهمن ۱۳۹۰.

۵- جک استرا وزیر خارجه‌ی وقت انگلستان، مصاحبه درباره‌ی پرونده‌ی هسته‌ای ایران، بی‌بی‌سی، ۱۶ تیر ۱۳۹۲.

از این رو، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) رهبری انقلاب اسلامی ایران می‌گویند: «مذاکره برای اثبات حُسن نیت است. شما [آمریکا] ده تا کار انجام می‌دهید که حاکی از سوءنیت است، آن وقت به زبان می‌گویید مذاکره؟ مذاکره‌ی با آمریکا مشکلی را حل نمی‌کند؛ کجا این‌ها به وعده‌های خودشان عمل کردند؟» ایشان با یادآوری سوابق شصت‌ساله‌ی رابطه‌ی ایران-آمریکا معتقدند هر بار مسئولین ایرانی به دولت آمریکا اعتماد کردند، ضربه خوردند. قبل از انقلاب اعتماد و تمایل دکتر مصدق به آمریکایی‌ها منجر شد به وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بعد از انقلاب هم خوش‌بینی و اعتماد مسئولین در برهه‌ای به سیاست دولت آمریکا، منجر شد به قرار دادن ایران در محور شرارت. فرآیندی که ایشان را بدین باور رسانده است که هر جا به دولت آمریکا اعتماد شد، آن‌ها با استکبارورزی، خلف وعده کردند. لذا می‌گویند آن‌ها باید حُسن نیت نشان بدهند. عنوان مذاکره، پیشنهاد مذاکره با فشار سازگار نیست. راه فشار با راه مذاکره دوتاست.^۱

د) تأثیر لابی صهیونیستی بر دولت آمریکا (دلایل واسط بی‌اعتمادی / تقابل)

دلیل دیگر بی‌اعتمادی رهبری انقلاب اسلامی ایران به دولت آمریکا، حمایت بی‌قیدوشرط دولتمردان آمریکا از رژیم صهیونیستی است که حتی با جنایات‌های آشکار آن، از قبیل ماجرای غزه، متوقف نشده است.^۲ از این منظرگاه، خود دولت‌های آمریکا نیز به صهیونیست‌ها وابسته هستند؛ به نحوی که این موضوع منجر به اسارت و سلب آزادی و استقلال مردم آمریکا شده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بارها ضمن بیان جنایات رژیم صهیونیستی، آن

۱- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «دیدار با فرماندهان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۹ بهمن ۱۳۹۱.

۲- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیانات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۴ اسفند ۱۳۸۷.

را جریانی می‌داند که «براساس ظلم، آدم‌کشی، دروغ، فریب، سفاکی، قتل عام و پشت پا زدن به ارزش‌های انسانی به وجود آمد و مهاجمان صهیونیست به دنبال قربانی شدن حقوق یک ملت، وارد فلسطین اشغالی شدند.» بر این اساس، ایشان رسماً اعلام می‌دارند: «جمهوری اسلامی ایران برخلاف دولت‌های دیگر و بدون ترس از آمریکا حرف حق را با صراحت و به روشنی بیان می‌کند و بر بطلان رژیم صهیونیستی و حقانیت ملت فلسطین تأکید می‌ورزد.» در مقابل، در چارچوب حمایت از مستضعفین، «حاضر نیست وجود ملت فلسطین، که امروز رنج آوارگی را تحمل می‌کند، منکر شود.»^۱ لذا با عطف توجه به جایگاه لابی صهیونیستی در حاکمیت آمریکا، این جریان به‌عنوان عاملی مداخله‌گر در روند رابطه‌ی ایران و آمریکا، حضور فعال و مؤثر دارد. می‌توان به لابی‌هایی مانند لابی آپیک^۲ و لابی شورای ملی ایرانیان آمریکا (نایاک)^۳ اشاره نمود.

ه) راهبرد تعاملی جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده‌ی آمریکا (راهبرد تعامل مشروط)

همان‌گونه که گفته شد، استکبارورزی دولت آمریکا، بالاخص طی سال‌های تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران، موجب بدبینی و بی‌اعتمادی آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به تعامل با آمریکا گردیده است. حال آنکه ضروری است این بحث مطرح شود که ایران مایل است چه نوع رابطه‌ای با آمریکا برقرار کند؛ چراکه اگر تهران انتظارات و علایق خود را شفاف بیان کند، تصمیم‌گیری برای آمریکا نیز ساده‌تر می‌شود. از این رو، سؤال آن است با این شرایط، الگوی سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون تعامل و مذاکره با دولت آمریکا چیست؟ الگوی «تعامل همه‌جانبه و تسلیم» یا الگوی

۱- همان، ۴ دی ۱۳۷۵.

۲- AIPAC

۳- National Iranian American Council

«امتناع تعامل با آمریکا» یا الگوی «تعامل محدود برای حل مسائل اقتصادی و سیاسی داخلی» یا الگوی «تعامل مشروط برای حفظ و بسط منافع و اهداف ملی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر یک برنامه‌ی جامع راهبردی»؟ رهبری انقلاب ایران معتقد است آمریکا چهار هدف مهم را از طرح موضوع مذاکره دنبال می‌کند:

- مانور تبلیغاتی به منظور تحقق منافع و راهبردهای منطقه‌ای و بین‌المللی خود
- جبران شکست سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا حداقل با کشاندن ایران پای میز مذاکره و اعلام حُسن نیت آمریکا^۱
- شرطی‌سازی جامعه‌ی ایران بر روی مذاکره با وعده‌ی رفع تحریم‌ها به منظور خسته کردن ملت و ایجاد دوقطبی میان مردم و حاکمیت
- مذاکره به منظور عقب‌نشینی ایران، نه حل مسائل فی‌مابین دو دولت^۲

ایشان متذکر می‌شوند شواهد تجربی در قبال طرف آمریکایی نشان داده که هدف آنان از گفت‌وگو پذیرش یک‌سویه‌ی نظراتشان توسط طرف مقابل است. لذا می‌گویند: «ما همیشه اعلام کردیم و گفتیم که این گفت‌وگو نیست، این تحمیل است و ایران زیر بار تحمیل نمی‌رود»^۳

حال آنکه ایشان هدف جمهوری اسلامی ایران از گفت‌وگو را دستیابی به یک «راه‌حل منطقی»، «حل مسائل فی‌مابین دو کشور» و حتی «ارتقای سطح بینش و توان تحلیلی جامعه‌ی ایرانی نسبت به رویدادها و مسائل بین‌المللی پیرامون ایران» اعلام می‌دارند.

رهبر ایران با نگرشی مثبت به افق تحولات اخیر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای معتقدند: «آرایش سیاسی دنیا در حال تغییر اساسی است»^۴ به نحوی که «هر

۱- همان، «بیانات»، ۱ اسفند ۱۳۹۲.

۲- همان، «بیانات»، ۲۸ بهمن ۱۳۹۱.

۳- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، «بیانات»، مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱ فروردین ۱۳۹۳.

۴- همان، «بیانات»، دی ۱۳۹۰.

روز از منطقه و از جهان، خبرهای تازه‌ای می‌رسد. مسائلی که امروز در منطقه‌ی ما و در سرتاسر جهان بروز می‌کند، مسائل بی‌سابقه‌ای است؛ چه مسائل منطقه، چه مسائلی که در غرب دارد اتفاق می‌افتد، چه در اروپا و چه در آمریکا. شرایط جهان، شرایط حساسی است و البته به نفع ما.^۱ ایشان این روند را پیچ تاریخی جمهوری اسلامی ایران دانسته و معتقدند: «اگر توقف کنیم، به عقب پرتاب خواهیم شد.»^۲

در این پژوهش، ضمن فاصله گرفتن از رویکرد اول و دوم به سمت رویکرد سوم و چهارم نزدیک می‌شویم. به نحوی که این دو رویکرد ضمن تفاهم در پذیرش امکان تعامل با دولت آمریکا، اما در سطح راهبردی (یعنی چشم‌انداز و هدف از این تعامل) و نیز در سطح تاکتیکی (یعنی نحوه‌ی اقدام برای تحقق این سیاست‌ها) اختلاف دارند.

براساس آنچه گفته شد، ایشان تعامل با تمام کشورها و ملت‌ها را لازم می‌دانند؛ البته مبتنی بر شناخت و رعایت احترام متقابل. بنابراین الگوی اول، یعنی امتناع تعامل که در رویکردی هنجاری و ذات‌انگارانه، هرگونه رابطه و تعامل را ممتنع و مهمل می‌داند و نیز الگوی دوم که منفعلانه و جاهلانه، طرفدار تسلیم و رضا به خواسته‌های دولتمردان آمریکایی است، از دایره‌ی گفتمان رهبری خارج می‌شود.

براساس آنچه گفته شد، ایشان نقشه‌ی راه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در چارچوب انقلاب اسلامی و قانون اساسی، که مبتنی بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت است، برای حفظ استقلال و آزادی داخلی و خارجی کشور و نفی سلطه‌پذیری می‌دانند. از این رو، با تأکید بر حل مسائل کشور با توجه به ساخت و توان داخلی ایران، هرگونه گره زدن و وابسته ساختن مشکلات داخلی به مذاکرات و تعاملات خارجی را خلاف نقشه‌ی راه مذکور و گفتمان سیاست خارجی خود می‌دانند. همچنین بیان

۱- همان، «بیانات»، مهر ۱۳۹۰.

۲- همان، «سالگرد رحلت امام خمینی (ره)»، ۱۴ خرداد ۱۳۹۱.

دقایق گفتمانی و طرح پیشینه‌ی هویتی، تاریخی و سیاسی روابط آمریکا و ایران، گویای آن است که تقابل ایران و آمریکا، آن مقدار قدیم و عمیق است که طرح تعامل محدود، بسان تسکین دهنده‌ی موضعی عمل می‌کند. بنابراین الگوی سوم، یعنی تعامل محدود برای حل مسائل اقتصادی و سیاسی داخلی، بدون برخورداری از نگاه کلان و عمق آینده‌ی استراتژیک، از دایره‌ی گفتمان رهبری انقلاب خارج می‌گردد که می‌تواند موجب بروز تبعات منفی همانند موارد ذیل گردد:

- صرف انرژی بسیار، اما بی‌فایده توسط ارگان‌های مسئول
- فرسایشی شدن مذاکرات و تضعیف توان دیپلماتیک ایران
- بروز تأثیرات روانی منفی بر حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران
- تضعیف چهره‌ی مقتدر نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان قدرت منطقه‌ای

بنابراین الگوی چهارم را می‌توان در دایره‌ی گفتمان رهبری انقلاب اسلامی شناسایی و معرفی نمود. الگویی که می‌توان آن را تعامل مشروط یا پویش عکس‌العملی نامید؛ به‌نحوی که بر لزوم تعامل با تمام کشورها برای حفظ و بسط منافع و اهداف ملی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر یک برنامه‌ی جامع راهبردی (عزت، حکمت و مصلحت) تأکید دارد. حال سؤال آن است که چشم‌انداز روابط ایران با ایالات متحده‌ی آمریکا در چارچوب الگوی چهارم چیست؟ آینده‌ی روابط ایران و آمریکا را چگونه می‌توان سامان داد؟

(و) رهیافت تحقق تعامل مشروط جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده‌ی آمریکا

به‌رغم توجه رهبری انقلاب ایران به حل و فصل «عادلانه» و «شرافت‌مندانه»ی روابط با آمریکا، در چارچوب الگوی تعامل مشروط، فضای روابط ایران و آمریکا در سیاست دنیای (World Politics) امروز هنوز در موقعیت «رابطه‌ی

تقابلی» باقی مانده است. از منظر کلی گرایانه‌ی سیاست دنیا، ایران و آمریکا در چهار مسئله و در چهار سطح درگیر در موقعیت رابطه‌ی تقابلی هستند. یک مسئله‌ی اساسی داخلی «حقوق بشر»، یک مسئله‌ی اساسی منطقه‌ای «صلح خاورمیانه» و یک مسئله‌ی بین‌المللی شده‌ی «برنامه‌ی هسته‌ای» و یک مسئله‌ی جهانی شده وجود دارد که آمریکا تحت عنوان «حمایت ایران از تروریسم» مطرح کرده است. به‌رغم این موقعیت تقابلی در هر چهار سطح و آگاهی از رفتار سیاسی دولت آمریکا، ایران طالب برقراری تعامل مشروط در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است.

در این بخش، برای تشریح ابعاد الگوی تعامل مشروط و تحلیل و پیش‌بینی آینده‌ی روابط ایران با آمریکا از نظریه‌ی جیمز روزنا، متفکر معاصر روابط بین‌الملل، استمداد می‌جویم. به اعتقاد روزنا، که طرفدار مکتب نئورالیسم است، رفتار دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی روابط بین‌الملل برای حفظ، کسب یا افزایش قدرت براساس هویت خویش (من که هستم؟)، قابل تحلیل و شناسایی است. او معتقد است که عوامل داخلی (فرد و تصور نقش) و خارجی متغیرهایی واسطه‌ای هستند که خود تابعی از عوامل بنیادی ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها و نوع سیاست آن‌ها محسوب می‌شوند. بر این اساس، تلاش دارد در طرحی مبسوط، بین نظر و واقعیت تاریخی تلفیقی ایجاد کند؛ تلاشی که با عطف به بررسی صورت گرفته پیرامون رابطه‌ی ایران و آمریکا در این پژوهش، نشان‌دهنده‌ی انطباق این الگوی تحلیل با وضعیت حاکم بر روابط و تعاملات سیاسی-تاریخی و هویتی ایران و آمریکاست. از این رو، برای کاربست الگوی تحلیل جیمز روزنا، گزاره‌ها و مفروضات اساسی این نظریه در چارچوب افق فکری روزنا ارائه می‌گردد:

اهمیت سطح تحلیل تلفیقی در تجزیه و تحلیل روابط بین‌الملل: توجه به محذورات بین‌المللی و مقدورات داخلی.

اهمیت به مسائل تاریخی برای رهایی از ذهنی‌گرایی در اندیشه‌ی مدرسی. اعتقاد به تأثیر عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر سیاست خارجی.

اعتقاد به انواع مختلفی از سیاست خارجی: سیاست والا (منزلی-وجودی و غیرقابل مذاکره)، سفلی (مادی و قابل مذاکره) و مسائل دیگر با نگرشی تلفیقی-ترکیبی.

در جهان چندقطبی-آنارشیک، بدون حضور قدرت برتر، تحقق صلح منوط به اتخاذ سیاست موازنه‌ی قواست.^۱

کشورها برای حفظ موجودیت خود، حق دارند که نسبت به دیگران بی‌اعتماد بوده و سوءظن داشته باشند.^۲

بر این اساس، از منظر روزنا، سه نوع پویش (انتخاب و عمل) را در تحلیل چشم‌انداز روابط کشورها، از جمله جمهوری اسلامی ایران، می‌توان ترسیم نمود:

پویش رخنه‌ای: بازیگر مستقیماً به خود اجازه می‌دهد تا در تخصیص آمرانه‌ی ارزش‌های دیگر بازیگران شرکت کند؛ کنشی بودن و حضور فعال و مؤثر بر مناسبات بین‌المللی.

پویش عکس‌عملی: حاکی از رفتار خارجی یک بازیگر به مقتضای پاسخ‌گویی به یک رویداد از خارج است؛ واکنشی بودن علی‌رغم حضور فعال و مؤثر بر مناسبات بین‌المللی.

پویش تقلیدی: با مشاهده‌ی تحول در یک بازیگر، سیاست‌گذاران رقیب سعی در ایجاد همان تحول در خود می‌گیرند؛ منفعل بودن و اثرپذیر بودن در مناسبات بین‌المللی.^۳

۱- حسین سیف‌زاده، اصول روابط بین‌الملل، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵، ص ۵۸.

۲- جلال دهقانی فیروزآبادی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۸۸، ص ۳۶.

۳- حسین سیف‌زاده، همان، ص ۶۲.

بر این اساس، می‌توان گفت تعامل با جهان جزء سیاست والا و منزلتی جمهوری اسلامی ایران بوده است، اما با توجه به گفتمان سیاست خارجی رهبری انقلاب ایران و تحکم‌الگوی تعامل مشروط، می‌توان چشم‌انداز رابطه‌ی ایران با آمریکا را در چارچوب پویش عکس‌عملی جیمز روزنا تحلیل نمود.

هرچند از ابتدای انقلاب ایران تاکنون نشانه‌هایی از برقراری فضای تعامل میان دو کشور دیده شده است، اما این نشانه‌ها در بهترین حالت نتوانسته‌اند از حد گفتاری فراتر روند و افقی تازه در روابط بین دو کشور بگشایند و بیشترین سطح همکاری‌ها در سطح راهکارها (Tactics) باقی مانده‌اند و هیچ‌گاه به سطح راهبردها (Strategies) ارتقا نیافته‌اند. باید این نکته را نیز افزود که بسیاری از متخصصین مسائل ایران در آمریکا، در قالب «شورای آتلانتیک» معتقدند که اشتراکات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک فراوانی میان ایران و آمریکا وجود دارد که در شرایط جدید، اهمیت بیشتری یافته است.^۱ بر همین اساس، نگاه‌های خوش‌بینانه‌ای وجود دارد که «پویش عکس‌عملی» را البته در راستای اعتمادسازی و تعامل متناسب با جایگاه دو کشور در نظام بین‌الملل امروز می‌دانند.

در اینجا سئوال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان از ایران و آمریکا، تعاملی مشروط مبتنی بر پویش عکس‌عملی را انتظار داشت؟ در پاسخ به این سئوال، سناریوی پویش عکس‌عملی شکل می‌گیرد. سناریویی که موجب انتفاع راهبرد جمهوری اسلامی ایران (تعامل مشروط)، حل مسائل و نیز رفع موانع رابطه‌ی ایران و آمریکا می‌گردد.

به‌نحوی که رهبری انقلاب ایران با تأکید بر لزوم اصلاح سیاست خارجی ایالات متحده‌ی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان رمز تعامل، بر پویش عکس‌عملی تأکید می‌نمایند. به‌نحوی که هرگونه کنش سیاسی

۱- کیهان بزرگ، وقایع سپتامبر و کانونی شدن نقش ژئوپلیتیک ایران، فصلنامه‌ی راهبرد، شماره‌ی ۲۴، ۱۳۸۱.

با کنش سیاسی متوازن (تهدید با تهدید و هرگونه حسن رفتار با حسن رفتار) پاسخ داده می‌شود.

نتیجه‌گیری

عطف به مباحث پیش گفته، مسلم است شکاف هویتی و سوابق تاریخی بر روابط تهران-واشنگتن سایه انداخته است؛ سایه‌ای به وسعت بیش از سه دهه که موجب شکل‌گیری فهمی سلطه‌طلبانه از دولت آمریکا نزد آیت‌الله خامنه‌ای و مردم ایران گردیده و از بی‌اعتمادی و عدم تعامل خبر می‌دهد. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران در فرآیند تصمیم‌گیری در قبال موضوع رابطه با آمریکا، محذوراتی چون شناخت آمریکا به‌عنوان رأس نظام سلطه، لزوم صیانت از استقلال و آزادی ایران در قبال آن، تصور نقش حمایت از مستضعفین عالم در مقابل مستکبرین، عدم اعتماد تاریخی و تجربی به دولت آمریکا و در محاسبه‌ی هزینه-فایده‌ی مذاکره قرار دارد. با تکیه بر گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون رابطه‌ی ایران با آمریکا، برقراری ارتباط و تبدیل تخصص به تعامل، منوط به پایان مشی سلطه‌جویی دولتمردان آمریکایی است؛ آنچه تحت عنوان الگوی تعامل مشروط خوانده شد و در چارچوب پویش عکس‌عملی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل موجب تحقق سناریوی برد-برد می‌گردد.

البته لازمه‌ی این مهم، تدوین دکترین (سند جامع راهبردی) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه‌ی چراغ راه دستگاه دیپلماسی است. دکترین در لغت به اشکال گوناگون، از جمله دیدگاه، الگو، خط‌مشی، چگونگی عمل، راهنما و روش تعریف شده است.¹ از این رو، این سند می‌بایست توسط نهادها و نیروهای متخصص و در راستای: یکم، استراتژی امنیت ملی (SWOT) جمهوری اسلامی ایران؛ دوم، محدوده‌ی عملیات سیاست

1- Erica Benner, Is There a Core National Doctrine?, Nations and Nationalism 7, (Apr., 2001): 155174-

خارجی جمهوری اسلامی ایران (محیط و روندهای منطقه‌ای بین‌المللی) و سوم، ساخت درونی کشور، تهیه گردد تا ضمن حراست از قدرت و منافع ملی و ایدئولوژیک، تضمین‌کننده‌ی تعاملی مشروط (عادلان، محترمانه و غیرسلطه‌جویانه) مبتنی بر اعتماد و سناریوی برد-برد (پویش عکس‌عملی) باشد.

امید است یافته‌های این پژوهش برای ایران‌پژوهان، سیاست‌مداران و علاقه‌مندان به مباحث روابط بین‌الملل جالب توجه بوده باشد؛ چراکه پرداختن بدین مسئله‌ی سهل و ممتنع در عرصه‌ی سیاست خارجی برای جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده‌ی آمریکا، ضرورتی تجربی دارد.

فهرست منابع

منابع فارسی

منابع لاتین:

Abraham Kaplan. (1973), The conduct of Inquiry, London (u.k.).

William Michael Reisman, James E. Baker, (1992), Regulating Covert Action, Yale University Press.

Erica Benner, Is There a Core National Doctrine?, Nations and Nationalism 7, Apr. 2001.

Studies in international strategic issues, Volume 9.

Nafisi, The Dialogue Project, 2007.

منابع اینترنتی:

The Center For Preserving and Publishing the Works of Ayatollah Sayyid Ali Khamenei, [Homepage], (2013), <http://www.khamenei.ir>
Young Reporters Club, [Homepage], (2013), <http://www.yjc.ir>
ISLAMTIMES, [Homepage], (2013), www.islamtimes.org

کتاب

آجیلی، هادی، صورت‌بندی گفتمان اسلامی در روابط بین‌الملل، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.

برزگر، کیهان، وقایع سپتامبر و کانونی شدن نقش ژئوپلیتیک ایران، فصلنامه‌ی راهبرد، شماره‌ی ۲۴، ۱۳۸۱.

دهقانی فیروزآبادی، جلال، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۸۸.

سیف‌زاده، حسین، اصول روابط بین‌الملل، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.

سند چشم‌انداز در آفاق ۱۴۰۴ هجری شمسی، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، آذر ۱۳۸۲.

خمینی، روح‌الله، صحیفه‌ی نور، تهران، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت امام (ره)، ۱۳۷۸.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸.
کلاوس افه، چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟، ترجمه‌ی کیان جهانخوش، تهران، تیراژه، ۱۳۸۴.

عبداله خانی، علی، رویکردها و طرح‌های آمریکایی درباره‌ی ایران، تهران، ابرار معاصر، ۱۳۹۰.

منوچهری، عباس، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران، سمت، ۱۳۹۲.

مقالات

کنث ام. پولاک، و ری تکیه، افزایش فشار بر جمهوری اسلامی ایران، نشریه‌ی واشنگتن کوآرتلی، ۲۰۱۱.

مایکل روبین، آیا می‌توان به ایران اعتماد کرد؟، مؤسسه‌ی امریکن انترپرایز، ۲۰۱۳.

کریستین کوپر، شکستن دیوار بی‌اعتمادی در مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا، اندیشکده‌ی امنیت ملی ترومن، ژانویه‌ی ۲۰۰۹.